

نهاد خیرات و نذورات و عدالت ترمیمی

اسعد نوبخت^۱، میثم نعمت اللهی^۲

چکیده:

شناخت سازکارهای عدالت ترمیمی و استفاده مطلوب از این سازکارها یکی از ضرورت‌های جامعه حقوقی است. ظرفیت‌های متفاوتی در جوامع مختلف با فرهنگ‌ها و قومیت‌های متفاوت از نهاد عدالت ترمیمی وجود دارد که با شناخت آن‌ها و قاعده‌مندیشان می‌توان در جهت غیر قضایی کردن فرآیندهای حقوقی و جزائی استفاده نمود. هر چه این شناخت و عملی کردن آن تسریع شود فرآیندهای دادرسی قضائی نیز مطلوب‌تر خواهد شد چون دستگاه قضائی با کاهش ورودی پرونده‌ها می‌تواند در بستر مناسب‌تر با دقت عمل بیشتری به روند دادرسی بپردازد. نهاد خیرات و نذورات یکی از سازکارهای عدالت ترمیمی است که می‌تواند نقش و جایگاهی شایان توجه در این مسیر داشته باشد. انتظار این‌که جامعه حقوقی در راه رسیدن به اهداف عالی و عدالت ایده آل همه ابزارها را شناخته باشد و یا توان استفاده از تمامی این وسایل و ابزارها را داشته باشد انتظاری است عبث و بیهوده، لذا تمامی صاحب نظران و اندیشمندان عرصه علم حقوق جهت شناسایی و به کارگیری این ابزارها تلاش‌های وافری را نموده‌اند. با این حال با بذل توجه به این‌که تا شناخت و حصول به عدالت بشر راهی دراز و طولانی در پیش دارد شایسته است تمامی اندیشمندان این عرصه و دانش پژوهان این رشته علمی با بسیج تمامی امکانات خود بر ادامه مسیر و نیل به عدالت مطلوب و دادرسی‌های عادلانه همتی مضاعف بنمایند. این مقاله به دنبال کشف طریق و راههای جدیدی است تا بتواند از ظرفیت‌های سیاست جنایی استفاده نموده و با استفاده از دستورات و ظرفیت‌های دینی گامی در جهت نیل به این مقصود بردارد. استفاده از مصادیق عدالت ترمیمی همسطح نظر نویسنده است.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، سیاست جنایی، دستورات دینی، نذورات، نهاد، خیرات.

^۱ نویسنده و مسئول : کارشناس ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد شهرکرد asad.nobakht40@gmail.com

^۲ نویسنده و مسئول : عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، استادیار

از بدو تشکیل جوامع بشری و زندگی به صورت دسته جمعی عدالت و عدالت خواهی یکی از مهمترین دغدغه‌های جوامع بشری بوده است و جرم تحت عنوان پدیده‌ای اجتماعی - انسانی که هم‌زمان با شکل گیری اجتماعی انسان به وجود آمده است یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی مورد توجه بوده است. با استقرار و استمرار دوره جنایی و مرور تحولات گوناگون در اجتماعات بشری و روابط میان انسانها، نگرش‌های متفاوتی در ارتباط با عدالت شکل گرفت. گاهی نگرش‌ها به صورت مطلق و همگن نسبت به کسانی که قواعد و هنجارهای حقوقی را نقض می‌کنند و گاهی هم نگاهها متحول شده و از مطلق گرایی فاصله می‌گرفتند. همه این تغییرات و تحولات عدالت خواهانه و در طول تاریخ در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی علم جرم شناسی را به صورت جدی مورد توجه جامعه حقوقی قرار داد و زمینه‌های رشد و تعالی عدالت ترمیمی - یا عدالت مصالحه‌ای یا عقلانی را فراهم آورد و بسترهای سیاست جنایی گسترش پیدا کرد. عدالت نرم یا عدالت سبز توانست جایگاهی مناسب در مسیر عدالت حقوقی پیدا کند. فلذا توجه سازمان‌ها و مجامع‌های بین المللی معطوف جایگزین مناسب برای عدالت قضایی مطلق گردید. بررسی‌های آماری و میدانی نشان می‌دهد که سالانه هزاران نفر بدون آنکه از حقوق خود آگاهی داشته باشند یا آن که توان مالی گرفتن وکیل و مشاور حقوقی را داشته باشند بیگناه روانه زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها می‌شوند. و این عدم آگاهی از مقبولیت و مشروعیت نظام عدالت حقوقی می‌کاهد.^۱ با ظهور علم جرم شناسی در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی اندیشمندان با مطالعه علمی جرم توانستند بار عمده‌ای از مشکلات عدالت قضایی را مرتفع سازند مطالعه علمی جرم در چارچوب رشته‌ای به نام جرم شناسی در اواخر سده نوزدهم میلادی آغاز شد.^۲

علم جرم شناسی در مقام جایگزین کردن خود به جای قانون گذار و قوانین کیفری مختلف و پیشنهاد یک مدل آرمانی سیاست ضد جرم نیست، ولی قرانت‌های مختلفی را در اختیار می‌دهد که برای درک پدیده جنایی در جامعه ضروری است جرم شناسی باید وسیله‌ای برای کمک به دولت‌ها در اتخاذ و اجرای اقدام‌های جدید در قلمروهای پیشگیری و ضمانت اجراهای معمولی نسبت به بزهکاران نیز باشد، حمایت و حفاظت از افراد و جامعه و نیز مدرن سازی ضروری عدالت کیفری در این رهگذر تسهیل و تقویت خواهد شد.^۳ بدین ترتیب

۱- معظمی شهلا، ۱۳۹۲، ص ۳۴

۲- نجفی ابرند آبادی، هاشم بیگی، ۱۳۹۷

۳- زرر پیکا، ص ۳۳

در بستر علم جرم‌شناسی و سیاست جنایی و اهداف کوتاه مدت و دراز مدت عدالت ترمیمی و توانمندی جامعه دینی و جامعه مدنی می‌توان در جهت کاهش از آمال جرم یاری جست.

در بستر توانمندی جامعه دینی در کشورهای مختلف علی‌الخصوص کشورمان می‌توان از ظرفیت و دستورات دینی در ارتباط با خیرات و نذورات استفاده کرد در این جستار درصد هستیم که پس از تعریف سیاست جنایی و عدالت ترمیمی تعریف نهاد وقف و نذر و خیرات، بسترهای مناسب ظرفیت‌های دینی را در سیاست جنایی تعریف کنیم.

۱- تقویت سنت‌های دینی با عدالت ترمیمی :

حفظ هنجارهای اجتماعی و باور به این موضوع که تمامی اندیشمندان در جامعه می‌باید در جهت بقای این ارزش‌ها تلاش کنند بر هیچ کس پوشیده نیست. لکن شناخت هنجارها و تمایز از ناهنجارهای اجتماعی و دستیابی به وسایل مشروع قانونی برای نیل به این اهداف دغدغه‌ای است بس مهم و پیچیده. با توجه به اینکه فراگیری دستورات و تعالیم دینی و ارزشی در جامعه امروز ما یکی از اولویت‌ها فرهنگی است، شایسته است با شناخت و مطالعه ظرفیت‌های آشکار و پنهان این معرفت‌ها زمینه اعتلای عقلانی این موهبت‌ها در جامعه فراهم آید. بی‌شک در تمامی ادوار تاریخ و در همه ادیان آسمانی این تعالیم و تعالیم مشابه وجود داشته و دارند و در اسلام این دین سرنوشت ساز این آموزه‌ها نسبت به دیگر ادیان، مضاعف است. «قرآن کریم از سه عنصر اساسی به نام اعتقاد، اخلاق، اعمال یاد می‌کند که اگر عنصرهای سه‌گانه بر اساس آموزه‌های پیامبران الهی شکل گیرند از مجموع آنها با نام دین تعبیر می‌شود و تنها آئین رسمی در پیشگاه خدا یعنی اسلام حاصل می‌گردد و کسی که واجد عناصر محوری مزبور باشد، انسان خواهد بود.»^۱

«این دین است که رشته زندگانی دنیوی و اخروی، مادی و معنوی انسان را به نظم درمی‌آورد.»^۲

در این حالات استفاده از دستورات دینی و تطبیق با علوم مختلف راهی است انسان ساز و اطاعت از این دستورات جامعه را در مسیر درست و دوری از ناهنجاری‌های قرار خواهد داد. ادیان آسمانی به طور کلی از دو بخش اعتقادی و عملی مرکب می‌شود.^۳

۱ - جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۳۳۹

۲ - طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۱۵۹/۳

۳ - طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۸۶

«خیرات و نذورات از سنت‌های نیکوی عملی دین اسلام است در نذر شخص نذر کننده با اعتقاد مذهبی با خداوند پیمان می‌بندد که چنانچه حاجتش برآورده شود، یا بیماری اش شفا یابد برای شکر به درگاه خداوند و اموری دیگر از این قبیل مقداری معین از مال خود را در راه رضای خدا برای مسکینان، یتیمان، اسیران و دیگر امور خیریه خرج کند یا عمل راجع و مطلوبی را انجام دهد یا از عمل ناپسندی دست بردارد. «^۱ در این مثال که نذر کننده و خیر که عمدتاً از اندیشمندان علوم انسانی علی‌الخصوص صاحب نظران حقوقی هستند وارد عرصه عمل راجح و مطلوب شده و نذر خود را ادا می‌کنند و این نذر و خیرات با آموزش مسائل حقوقی و مشاوره‌های رایگان جهت ادای نذر انجام می‌گیرد و نهاد حقوقی فوق‌الاشعار با اعتقادی راسخ و جهت انجام تکلیف دینی شکل می‌گیرد چون این نهاد از اهداف اقتصادی و منفعت طلبی فاصله دارد و سمت و سوی تعلیم و آموزشی آن صرفاً اعتقادی است می‌تواند بسیار سودمند و بادوام باشد. این نهاد می‌تواند با روبرو کردن بزه کار و بزه دیده در پاره‌ای از جرم‌ها درجه شش و هفت و هشت نقش میانجی‌گری داشته باشد و با کاستن از آلام جرم اسباب بازگشت بزه کار به جامعه و تلطیف روح بزه دیده گردد. عدم آشنایی طیفی وسیع از مواجهه کنندگان به دستگاه قضا از حقوق خود اعم از بزه‌کار و بزه‌دیده اسباب سردرگمی و بلا تکلیفی برای آنان شده و این خود پدید آورنده مشکلاتی بس عدیده و پیچیده خواهد شد. نداشتن آشنایی با مسائل حقوقی و نبود امکانات مالی جهت مراجعه به وکلا و مشاوران حقوقی اسباب بروز مشکلاتی در روند رسیدگی‌های قضایی خواهد شد. کم نیستند انسان‌هایی که به دلیل نداشتن امکانات مالی و عدم آشنایی با حقوق خود ناحق روانه بازداشت و زندان شده‌اند. کم نیستند بزه دیدگانی که صرف نداشتن امکانات مالی برای رسیدن به حق خود از مراجعه به دستگاه قضایی خودداری می‌کنند و این خود اسباب بروز کدورت‌ها و ناهنجاری‌های در سطوح جامعه خواهد شد. با مراجعه به رقم پنهان بزه‌کاری صحت این مطلب آشکارتر خواهد شد. تمامی مسائل معنونه شرایط را برای طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده و اطاله دادرسی فراهم خواهد آورد و افراد جامعه را نسبت به عدالت اجتماعی ناامید کرده و این سم مهلکی است برای نیل به جامعه ایده آل حقوقی.

۱-۱ عدالت ترمیمی، الگوی جدید تفکر در امور کیفری

عدالت ترمیمی به عنوان الگوی مقابل یا همزیست با عدالت کیفری سنتی از دهه هفتاد قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته است، مسائل و مشکلات ناشی از اجرای عدالت کیفری سنتی (عدالت کیفری سنتی بر سزادهی و بازپروری) و عدم توجه کافی به حقوق و جایگاه بزه دیدگان اجتماع و به طور کلی مصادره

۱ - تجریر الوسیله امام خمینی ص ۲۳۷ - توضیح المسائل - م ۲۶۴۱

عدالت از طرف دولت و انتقادات و ایرادهای وارد بر آن زمینه ساز ظهور عدالت ترمیمی و استفاده از برنامه‌ها و روشهای اجرای آن در بسیاری از کشورهای جهان گردید. به گونه‌ای که تلاش‌های ملی برای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی به سرعت در برخی نهادهای منطقه‌ای و از جمله اروپایی و پس از آن در قلمرو بین‌المللی توسط سازمان ملل متحد، مدنظر قرار گرفت و به رسمیت شناخته شد. عدالت ترمیمی رویکرد جامعی نسبت به منافع بزه دیده، بزه‌کار و جامعه است این رویکرد جدید از عدالت کیفری تحت وصف و نام واحدی توصیف نمی‌شود و اطلاق یک عنوان برای تسمیه این جنبش نمی‌تواند مفاهیم و محدوده‌ها و افق‌های آن را به خوبی توصیف نماید. اصطلاحات تعهدی در سرتاسر جهان برای تعیین این رویکرد به کار می‌رود نظیر عدالت انسانی، عدالت پویا، عدالت التیام دهنده، عدالت علی، عدالت غیررسمی، عدالت سبز و ... ولی شایع‌ترین عنوان همان عدالت ترمیمی است.^۱

عدالت ترمیمی بر اهمیت ارتقا و نقش بزه دیدگان و اعضای جامعه از رهگذر درگیر نمودن فعالانه آنان در فرایند عدالت تأکید داشته بزه‌کاران را مستقیماً در قبال بزه دیدگان و جوامعی که مورد آسیب و زبان قرار گرفته اند، مسئول می‌داند. عدالت ترمیمی آسیب‌های معنوی و مادی بزه‌دیدگان را ترمیم کرده و طیفی از فرصت‌های مناسب را برای گفت و گو و مذاکره و حل و فصل مشکل، در هر زمانی که امکان داشته باشد فراهم می‌آورد و این ارمغانی است برای تمامی کسانی که درگیر این مسئله هستند. استغنان پی گروی عدالت ترمیمی را شیوه‌ای برای نشان دادن واکنش به بزه توصیف می‌کند. آن‌جایی که طرفداران عدالت سزا دهنده با اعتقاد جازم به این نکته که «هر چه کیفر سریع و بلافاصله در تعاقب جرم اجرا شود عادلانه‌تر و مفیدتر خواهد بود، می‌گویم عادلانه خواهد بود چون مقصر را از عذاب‌های موحش و بیهوده، تردید و بلا تکلیفی که نیروی تخیل و احساس ضعف خود او آن را شدت می‌بخشد برکنار خواهد داشت، عادلانه‌تر خواهد بود، چون محدودیت از آزادی خود کیفری است که اگر ضرورت اقتضا نکند حق نیست پیش از صدور حکم اعمال شود پس سزاوار است که کوتاه‌ترین زمان لازم را برای جریان دادرسی احتساب کرد.»^۲

در همین ارتباط «باید مجازات‌ها با یکدیگر هماهنگ و متناسب باشند چه از عملی که صدمه بیشتری به جامعه وارد می‌آورد، بیشتر باید احتراز و جلوگیری کرد تا عمل کوچکتری که کمتر لطمه می‌زند این موضوع امری ضروری است.»

۱ شیری عباس، ۱۳۸۵، ص ۵۲

۲- بکاریا - ۱۷۳۸-۱۷۹۴، ص ۸۳

بنام (ژرمی) طرفدار اخلاق فایده‌گرایی مبتنی بر محاسبه لذت‌ها و پاداش‌ها و مجازات‌ها و هزینه‌های ارتکاب جرم بود^۱ و استفان پی گروی نتیجه می‌گیرد که واکنش عدالت ترمیمی نسبت به بزه بهتر از کیفر بزهکار است. در دیدگاه عدالت کیفری بزه به عنوان یک قانون شکنی علیه دولت تعریف می‌شود ولی طرفداران عدالت ترمیمی بزه را بیش از یک قانون ساده می‌دانند و معتقدند بزه آسیبی است که بزه‌دیده متحمل می‌شود بنابراین بزه در اکثر موارد اقدامی علیه دولت و نقض قانون نیست هم چنین بزه صرفاً بازتاب یک آسیب ساده نیست بلکه یک آسیب با سطوح چندگانه نسبت به بزه دیدگان اولیه، بزه دیدگان ثانویه، جامعه و حتی نسبت به بزهکاران است. وقتی بزه نقض حقوق یک فرد تلقی شد بدیهی است کیفر هم باید در جهت جبران آسیب تفسیر شود. بدین ترتیب کیفر یک ماهیت غیر تنبیهی و در جهت جبران آسیب‌های وارده به بزه دیده خواهد بود. پس کیفر نه تنها موجب تشدید دشمنی میان بزهکار و بزه‌دیده نخواهد بود بلکه حتی می‌تواند به عاملی برای تقویت دوستی بین بزه‌دیده و بزهکار تبدیل شود. نهاد خیرات و نذورات حقوقی بسترهای این نشست را جهت نیل به کاهش تنش‌های اجتماعی و تشریف خاطر بزه دیده فراهم خواهد آورد.

۱-۲ کنترل اجتماعی و نهاد نذورات و خیرات :

اصطلاح کنترل اجتماعی یا به تعبیری، بازرسی یا نظارت اجتماعی، معمولاً به طیفی از نهادهای اجتماعی که فلسفه وجودی آنها ارتقا و تعمیم نظم و قاعده‌مندی رفتارهاست و یا به ابزارهایی که به وسیله آنها چنین نهادهایی به ایجاد و ثبات و پیش‌بینی پذیری امور در جامعه دست می‌زنند اطلاق می‌گردد. نکته مورد نظر آن است که تمامی جوامع نیازمند چارچوبی هستند که رفتار انحرافی را تحت قاعده و نظم درآورد. نهادهای اصلی کنترل عبارتند از نهاد مذهب، آموزش و پرورش (دبستان، دبیرستان، دانشگاه) قانون، دادگستری، خانواده، پلیس، محله، همسایگی و اجتماع. با شکل‌گیری جوامع روابطی بین افراد شکل می‌گیرد که ناشی از نیازهای طبیعی و احتیاجات اجتماعی بر مبنای در کنار هم زیستن و با هم زیستن است. این روابط بر اساس معیارهای مختلف اجتماعی، مذهبی، اخلاقی، روانی، اقتصادی و سیاسی شکل می‌گیرند و موجب آن می‌شوند که افراد جامعه با یکدیگر مرتبط شده و علاقه‌ها، کینه‌ها، دلبستگی‌ها و کدورت‌ها بر مبنای این ارتباطات شکل می‌گیرند. جامعه در این استقرار و شکل‌گیری به ناچار به نظامی که از سوی طبیعی است و از سوی دیگر قراردادی، روی می‌آورد و آن نظم قراردادی ریشه در مذهب، سنت و آداب و رسوم و ملیت افراد دارد. برای در کنار هم زیستن و با هم زیستن چاره‌ای جز تبعیت از این نظم نیست. قتل‌ی حادث نمی‌شد اگر شخص به تنهایی زندگی می‌کرد و سرقتی انجام نمی‌شد اگر فرد محدود به دنیای خویش و مالکیت خود بود. نظام قضایی کشور نمی‌تواند به تنهایی بار عدالت‌خواهی و قانون‌گرایی را بر دوش کشد. اگر مجموعه کنش‌گران اجتماعی اعم از دولتی و اعضای جامعه مدنی وارد کارزار عدالت خواهانه نشوند این بار سنگین

۱- ابرنآبادی - هاشم بیگی، ۱۳۹۷، ص ۵۷

۲- ابرنآبادی - هاشم بیگی، ۱۳۹۷، ص ۵۵

بر دوش دادگستری سنگینی می‌کند و نمی‌تواند نتیجه مطلوبی را به ارمغان بیاورد. نظریه کنترل (علقه با پیوند اجتماعی) با وصف این موضوع که اگر کنترل اجتماعی سست شود و پیوند شخص با جامعه کمتر شود نرخ جرم بالاتر می‌رود و با کمی کنترل، علاقه اجتماعی بین آحاد ملت به حداقل میزان می‌رسد. کنش‌گران اجتماعی را وارد عرصه کارزار فرهنگی حقوقی نموده و در نشست‌های نهاد خیرات و نذورات حقوقی علقه اجتماعی و پیوند اجتماعی را به میزان قابل توجهی بالا برده و اعتماد بین افراد را در سطوح مختلف به سطح بالایی سوق خواهد داد. تا جایی که با تشکیل جلسات نهاد، زمینه نشست‌هایی بین بزهکار، بزه‌دیده فراهم شده و در ادامه فعالیت، کنش‌گران این مجموعه مدنی، دینی با تعالیم حقوقی به افراد درگیر در یک پرونده می‌توانند از تنش و درگیری بین بزهکار و بزه‌دیده بکاهند و زمینه بازگشت بزهکار به جامعه و تشفی روح بزه‌دیده گردند.

۱-۳ حفظ نظم کنشی (پیش‌گستر):

حفظ نظم کنشی یا پیش‌گستر عبارت است از هر گونه فعالیت انسانی قانونی که منجر به کاهش رفتارهای مجرمانه شود. این روش، در برگیرنده فعالیت‌هایی در جهت تأثیر گذاری بر جامعه به شیوه‌های متنوعی است که به منظور انصراف افراد از روآوری به اعمال غیر قانونی و گرایش دادن آنان به سمت اعمال قانونی و مشروع صورت می‌گیرد. شیوه عمل در این روش، برخلاف روش حفظ نظم واکنشی، به گونه‌ای است که نوید دهنده اثر دلگرم‌کننده‌تری است زیرا مستلزم پیاده کردن اقدامات و تدابیر کنشی یا پیشینی است که در جهت قلع و قمع جرم صورت می‌گیرد. پیشگیری از ارتکاب جرم نه تنها به عنوان یک استراتژی از نظر اخلاقی دارای برتری است، بلکه سودمندی آن نیز بیشتر است، زیرا هم برای جرم و هم زمان و رنج ناشی از آن را کاهش می‌دهد. کاهش جرم موجب رها شدن فشار وارد بر نهادهای مختلف نظام عدالت کیفری شد.

۱-۴ نظریه کنترل و نهاد خیرات و نذورات

به نظر هیرشی (Hirschi) جامعه‌شناس و جرم‌شناس آمریکایی که نخستین بار چهارچوب منسجمی از نظریه کنترل (علقه با پیوند اجتماعی) را ارائه کرد علوم جرم‌شناسی باید توجه بیشتری نسبت به پاسخگویی به این پرسش که چرا انسان‌ها از قواعد جامعه پیروی می‌کنند؟ مبذول دارد این به عنوان یک نقطه آغاز به عنوان مثال در نظریه فشار (رابرت مرتن) و نظریه‌های انحراف فرهنگی مانند نظریه معاشرت‌های ترجیحی مورد غفلت قرار گرفته و جای خود را به پرسش واضح‌تر «چرا افراد از هنجارهای اجتماعی و قانونی تبعیت نمی‌کنند» داده است. هیرشی الگوی خود را از توماس هابز (Hobbes)، فیلسوف انگلیسی می‌گیرد. نظریه کنترل، انسان را اساساً موجودی غیر اخلاقی تلقی نمی‌کند، لیکن وجود تفاوت‌هایی را در شدت و ضعف قیود اخلاقی در او می‌پذیرد. رفتار بزه کارانه هنگامی به وقوع می‌پیوندد که کنترل‌های اجتماعی سست

می‌گردد، هنگامی که تعهد و پایبندی فرد به جامعه ضعیف شده یا گسسته شود بدین سان شأن و احترام وی در جامعه رو به کاهش می‌گذارد و دیگر از سرزنش و سلامت جامعه، باکی نداشته بیش از پیش و به طور روز افزون در جهت اغراض و منافع شخصی خود عمل می‌کند. ^۱ نظم اجتماعی، تبیین‌کننده توقعات اساسی زندگی اجتماعی است، هر جامعه‌ای با هر سیستم حکومتی و با هر گونه زبان، مذهب، آداب، سنت‌ها و به طور کلی فرهنگ خاص خود، نیازمند برخورداری از نظم و ترتیب معین برای اداره خویش است حتی جدای از جامعه پیچیده امروزی جوامع ابتدایی هم به شکلی برخوردار از این نظم بوده‌اند. سنت‌های اجتماعی و آداب و رسوم قومی و دیگر عوامل مشترک بین افراد یک جامعه به تنهایی برای تأمین نظم اجتماعی کافی نیستند، هر چند اهمیت هر یک بر حسب درجه وابستگی آن‌ها به جامعه غیر قابل تردید است و قوانین و مقررات حاکم بر هر جامعه‌ای با توجه به این سنت‌ها و آداب و رسوم تنظیم می‌گردد. لاجرم فرد ناچار از زیستن با اجتماع است و جدای از آن نمی‌تواند مورد توجه قرار گیرد و این به معنای تقدم اصالت اجتماع بر فرد نیست بلکه به این دلیل است که یاخته‌های واحدهای اجتماعی متشکل از افراد آن اجتماع اند و نمی‌توان وجود سلولی از فرد را بی‌توجه به توده سلولی او بررسی کرد. علم جرم شناسی و نظریه‌های مختلف در این علم نوین در پی آنند که به طرق متفاوت بتوانند وجود این نظم را حفظ کنند و از گسستن هنجارهای اجتماعی و قانونی جلوگیری کرده و در حالت شکستن این نظم و نظام در پی ترمیم آن باشند. نهاد خیرات و نذورات حقوقی تحت عنوان پیشنهادی برای رشد و تعالی عدالت ترمیمی در جامعه می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های دینی موجود در جامعه و هم‌بستگی آحاد مردم حول یک مسئله اعتقادی هم‌بستگی و مودت مردم درگیر یک پرونده حقوقی را بیشتر کند. فلسفه وجودی کنترل اجتماعی ارتقاء و تأمین و قاعده‌مندی رفتارها عنوان شده است. فلذا در راستای عدالت ترمیمی این نهاد می‌تواند با آشنایی دادن افراد با حق و حقوق خود در جامعه، همچنین با مشکلات و مصائب قانون‌شکنی و هنجارشکنی و روشنگری در این راستا زمینه کنترل این نظم اجتماعی را مدد نماید. با توجه به این که خاستگاه این نهاد بیشتر معنوی و اعتقادی است در جهت نیل به منظور کنترل اجتماعی می‌تواند ایفاگر نقش مهمتری نسبت به نهادهای هم‌سنگ و هم‌تراز باشد.

۵-۱ کنترل اجتماعی و عدالت ترمیمی :

اصطلاح کنترل اجتماعی یا به تعبیری، بازرسی یا نظارت اجتماعی، معمولاً به طیفی از نهادهای اجتماعی که فلسفه وجودی آنها ارتقا و تعمیم نظام و قاعده‌مندی رفتارهاست و یا به ابزارهایی که به وسیله آنها چنین نهادهایی به ایجاد ثبات و پیش‌بینی پذیری امور در جامعه دست می‌زنند اطلاق می‌گردد. نکته مورد نظر آن است که تمامی جوامع نیازمند چهارچوبی هستند که رفتار انحرافی را تحت قاعده و نظم درآورد. نهادهای اصلی کنترل عبارتند از نهاد، مذهب، آموزش و پرورش (دبستان، دبیرستان و دانشگاه). قانون، دادگستری، خانواده، پلیس، محله، همسایگان و اجتماع پر واضح است که بر اساس نظریه جرم‌شناسی کنترل اجتماعی

۱- ابرندآبادی - هاشم بیگی، ۱۳۹۷، ص ۷۷

که بسیاری از صاحب نظران علوم انسانی اعتقادی راسخ به آن دارند یکی از مهمترین راه‌های کنترل پدیده جرم می‌باشد و در صدر همه این نهادها نهاد مذهب می‌تواند نقش مؤثرتری در این ارتباط داشته باشد و سرمایه گذاری در این زمینه می‌تواند یک از راه‌های کنترل جرم و پدیده مجرمانه در جوامع با زیربنای اعتقادی قرار گیرد. ^۱ نظریه کنترل هیرشی (علقه‌های پیوند اجتماعی) در تعریف قید و بند آورده است که وابستگی شدید، پایبندی و تعهد و در واقع اساس نظر این جامعه شناس و جرم شناس، مشارکت در امور جامعه با تبیین احترام و اعتقاد به اخلاقیات و هنجارهای قراردادی جامعه است و این اخلاقیات در جامعه و مشارکت کردن در امور جامعه طی فرایندهایی قابل طرح می‌باشد. عدم اعتماد، و عدم اطمینان از روند دادرسی و فرایند قضایی و طولانی شدن روند دادرسی یکی از مشکلاتی است که می‌تواند در کوتاه مدت و بلند مدت جامعه را آستان تحولات ناگواری در این زمینه بگرداند. پس بر تمامی اندیشمندان حوزه حقوق لازم می‌شود که بسترهای اعتماد سازی و پایبندی به اعتقادات و اخلاقیات را در جامعه بالا ببرند و نهاد خیرات و نذورات حقوقی بسترهای اعتماد متقابل میان جامعه و صاحب نظران حقوق را بالا می‌برد. و این نهاد دارای این توانمندی است که جرم را از حالت فوق اشباع به حالت اشباع برگرداند.

۲- صور مختلف استفاده از نهاد حقوقی خیرات و نذورات

با توجه به این مطلب که گسترش مؤسسات و نهادهای جدید در جامعه حقوقی ایران می‌تواند زمینه ساز صرف هزینه‌های مادی گردد، و این موضوع در شرایط موجود عملی کردن این مطلب را با مشکل مواجه می‌سازد، لذا استفاده بهینه از مؤسسات و نهادهای موجود می‌تواند اسباب آن را فراهم آورد که بدون صرف هیچگونه هزینه‌ای و در کمترین زمان ممکن این پیشنهاد را عملیاتی کرد. یکی از این بسترها موجود بخش معاضدت قضایی در قوه قضائیه است دیگری ستاد دیه - و قسمتی از شوراهای حل اختلاف - و بخش‌هایی از شوراهای داوری موجود می‌باشد.

۲-۱ بخش معاضدت قضایی :

در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما جهت پاسخ به نیاز افراد تهیدست و افرادی که به هر دلیل امکان مراجعه به وکلا و مشاوران حقوقی را ندارند و کانون وکلای دادگستری با ایجاد بخش معاضدت قضایی و ارائه خدمات مشاوره حقوقی رایگان سعی در ایجاد شرایط برای همراه نمودن وکیل برای افراد بی بضاعت نموده است و در مراحل دادرسی با بزه کاران یا متهمین با همراه نمودن وکیل تسخیری مساعدت می‌نماید و محل تشکیل این بخش در قسمت‌هایی از ساختمان‌های دادگستری می‌باشد. عملاً این بخش نتوانسته است که خدمات مطلوب و قابل ذکری را ارائه نماید و این خود می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که یکی از این دلایل عدم پشتوانه مادی و معنوی مناسب از این بخش توسط سازمان‌های بنیان گذار می‌باشد. اینجاست که

نهاد حقوقی نذورات و خیرات می تواند به پشتوانه معنوی مناسب در این بخش ادغام شود و ناگفته پیداست که می تواند زمینه ساز ارائه خدمات مطلوبی در جهت آموزش و تعلیم برای مجموعه افراد در روند رسیدگی قضایی باشد و علاوه بر وظیفه‌ای که کانون وکلای به بخش معاضدت قضایی سپرده است می توان از ظرفیت‌های مؤثر نذر هم استفاده کرد تا با ادغام این دو نهاد گامی مؤثر در راه نیل به عدالت ترمیمی برداشت.

۲-۲ ستاد دیه :

ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه کمک به زندانیان نیازمند و فعالیت‌های آن در سال ۱۳۶۹ در سازمان زندان‌ها شکل گرفت این ستاد با گذشت سالها از آغاز به کارش توانسته است به نهادی مقتدر در امر خیر کمک به زندانیان نیازمند بدل شود و با تشکیل شعبی در سراسر کشور و برقراری ارتباط با خیران و نهادهای کمک رسان سالانه مسیر آزادی بسیاری از زندانیان دیه و دیگر زندانیان نیازمند جرائم غیر عمد را هموار کرد. و به عنوان یک تشکیلات حقوقی به ثبت برسد. در حال حاضر در ۳۰ استان کشور ۳۰ ستاد دیه به صورت مردمی رسماً در حال فعالیت هستند. نهاد حقوقی خیرات و نذورات می تواند با زیر مجموعه قرار گرفتن ستاد دیه در مراکز استانها خدمات شایان ذکری را هم به مددجویان ستاد و هم به دیگر افراد نیازمند ارائه نماید.

۲-۳ انجمن حمایت از زندانیان :

به استناد ماده ۱ شورای عالی قضایی، انجمن حمایت زندانیان انجمنی است با شرکت مسئولان و معتمدان و در مقر هر دادگاه عمومی - دادگاه شهرستان و دادگاه بخش مستقل (در صورت وجود زندان) تشکیل می شود انجمن موسسه‌ای غیر انتفاعی و دارای شخصیت حقوقی است. نظارت بر کار - تشکیل و انحلال و تعیین خط مشی و صدور احکام و هماهنگی امور انجمن‌ها در سطح کشور بر عهده اداره کل اقدامات تأمینی و تربیتی کشور است. نگاهی به شرح وظایف و اهداف این انجمن خود مؤید این امر است که نهاد حقوقی با ادغام در این انجمن می تواند خدمات مؤثری را ارائه نماید. توجه به بند ط ماده ۳ اساسنامه این انجمن که عنوان می کند که :

همکاری با مؤسسات علمی و تحقیقی که در زمینه زندان‌ها و بزه کاری و مسائل مربوط به آن فعالیت و تحقیق می کند و استفاده از نتایج کار و پیشنهادهای این مؤسسات و توجه به اختیارات این انجمن و شرح وظایف آن می تواند در راه نیل به همکاری و مساعدت نهاد حقوقی نذورات و خیرات با این انجمن مقدر و امکان پذیر باشد.

۳- نتیجه گیری:

شناخت و استفاده از ظرفیت‌های جامعه مدنی می تواند گامی مؤثر در جهت پیشبرد و سیاست جنایی مطلوب عدالت ترمیمی یا عدالت غیر قضایی باشد. نهاد حقوقی نذورات و خیرات در جهت یاری رساندن

به کلیه اقشار جامعه علی الخصوص قشر کم درآمد و ضعیف که در روند رسیدگی‌های قضایی دچار مشکل می‌شوند می‌تواند کمک‌های مؤثری را ارائه نماید.

این نهاد که از پشتیبانی انگیزه‌های معنوی بالایی برخوردار است و اندیشمندان علوم انسانی علی الخصوص صاحب نظران حقوقی جامعه از ارکان اصلی شکل‌گیری آن می‌باشند با ارائه خدمات آموزشی حقوقی و فراهم آوردن بسترهای مناسب استفادهاز این تعالیم در روند رسیدگی قضایی می‌توانند گره‌گشای بسیاری از مشکلات در مسیر و روند رسیدگی قضایی باشند. آشنایی متهمین و بزه‌کاران با حق و حقوق خود همچنین بررسی آسیب‌های وارده به بزه‌دیدگان مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند بخشی از مشکلات را در روند رسیدگی‌های قضایی بکاهد و تمایل استفاده از بزه‌دیده و بزه‌کار از ظرفیت‌های عدالت ترمیمی را افزایش دهد.

پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱- جواد آملی، (۱۳۹۴)، منبع الفکر، قم : نشر اسراء، ص ۳۳۹.
- ۲- خمینی روح‌الله، (بی تا)، توضیح المسائل. تهران: موسسه عروج
- ۳- خمینی روح‌الله، (۱۳۷۳)، تحریر الوسیله، قم: مهر.
- ۴- دیموند گسن، (۱۳۹۴). «جرم شناسی نظری»، ترجمه مهدی کی نیا، قم: انتشارات یاران.
- ۵- ژرژ پیکا، (۱۳۹۵). «جرم شناسی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: یاوران.
- ۶- سزار بکاریا، (۱۳۹۵). «رساله جرائم و مجازات ها»، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: رسالت.
- ۷- شیرری عباس، (۱۳۸۵)، عدالت ترمیمی مبانی و کنشگران، تهران: چابک .
- ۸- شیرری عباس، (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات همایش ملی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- ۹- طباطبایی منوچهر، (۱۳۶۳)، حقوق اداری، تهران: سمت.
- ۱۰- متسکیو، (بی تا)، روح القوانین، کتاب ششم، فصل شانزدهم، تهران: سمت.
- ۱۱- معظمی شهلا، مجموعه مقالات همایش ملی
- ۱۲- نجفی ابرندآبادی علی حسین، هاشم بیگی حمید، (۱۳۹۷). «دانشنامه جرم شناسی»، تهران: انتشارات حقوق .

پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Institution of Charity and Instruction and Restorative Justice

Abstract:

Expecting the legal community to know about the ideal goals and the ideal justice of all the tools, or the ability to use all of these tools is an unreasonable and in vain, so all the scholars and thinkers of the field of science of law to identify and Using these tools has made a lot of effort. However, due to the fact that it is desirable for all the scholars of this field and scholars of this field to mobilize all their possibilities to continue the course and achieve the desired justice and trials, until the knowledge and achievement of human justice is a long and long way. Be honest and fair. This paper seeks to explore new ways and ways to use the capacities of criminal politics and to take steps to reach this goal using religious orders and capacities. Using the examples of restorative justice is at the same level as the writer's point of view.

Key word: Restorative justice, criminal policy, religious orders, vows, institution, charity.